

ضرورت توسعه بیمه‌های زندگی



سرمقاله

در دنیای معاصر صنعت بیمه جایگاهی خاص یافته است. کارکردهای ویژه این بخش از اقتصاد موجب شده است تا انسان خرد گرا تمامی فعالیت‌های خود را در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سایه پوشش‌های بیمه تحقق بخشد.

شاید بتوان ادعا نمود، مهمترین کارکرد این بخش از اقتصاد، تأثیرات آن در ایجاد امنیت است. امنیتی که در بخش‌های گوناگون حیات اجتماعی، بستر مناسبی را برای تحقق اهداف توسعه فراهم می‌سازد.

صنعت بیمه علاوه بر فراهم ساختن امنیت اقتصادی، اجتماعی و روانی، تأثیرات قابل توجهی را در رشد اقتصادی برجای گذارده و با حمایت از طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی توسعه، افراد جامعه را نیز تحت پوشش‌های مختلف خود قرار می‌دهد. این ویژگی‌ها سبب شده است تا در سالیان اخیر رویکردی خاص به این بخش از فعالیت‌های بشری صورت گیرد. اهم فعالیت‌های بیمه در دو بخش بیمه‌های زندگی و بیمه‌های غیر زندگی قرار می‌گیرند. در این میان از آنجا که بیمه‌های زندگی مستقیماً پوشش‌های خود را متوجه انسان - دایر مدار توسعه - می‌سازد، بخش عمده‌ای از فعالیت‌های صنعت بیمه را به خود اختصاص داده است. اهمیت بیمه‌های زندگی تا بدانجاست که به عنوان یکی از شاخص‌های ارزیابی توسعه یافتگی در بررسی‌های بین‌المللی مطرح شده است.

بر اساس بررسی‌های به عمل آمده، حدود ۴۵ درصد از بازار بیمه جهان در سال ۱۹۹۴ میلادی به بیمه‌های زندگی اختصاص داشته است. کشورهای امریکای لاتین بانسبت ۸۰ درصدی بیمه‌های زندگی در مقابل سهم ۲۰ درصدی بیمه‌های غیر زندگی بیشترین سهم بیمه‌های زندگی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین کشورهای آسیایی با نسبت ۲۰ درصدی بیمه‌های زندگی در مقابل سهم ۸۰ درصدی بیمه‌های غیر زندگی پائین‌ترین میزان را احراز نموده‌اند. در مورد سهم آسیا لازم است به این نکته توجه شود که بازار ژاپن با در دست داشتن ۹ درصد از حق بیمه‌های زندگی تأثیری بسزا در عملکرد بازار بیمه قاره آسیا داشته است. (۱) این آمارها با توجه به شاخص‌های جمعیتی قاره آسیا از وضعیت نه چندان مطلوب بیمه‌های زندگی در این قاره حکایت دارند.

بر اساس طبقه‌بندی‌هایی که صاحب‌نظران علوم اجتماعی و اقتصادی، به منظور تحلیل وضعیت کلان جهان انجام داده‌اند بسیاری از کشورهای آسیایی در زمره کشورهای در حال توسعه قرار می‌گیرند. با توجه به اینکه بیمه به عنوان یکی از ملزومات اساسی توسعه مطرح است، بنابراین مؤسسات بیمه لزوماً می‌بایست در جریان برنامه‌های میان مدت و بلند مدت توسعه این کشورها، پوشش‌های مناسبی برای طرح‌ها و منابع مختلف - به ویژه اساسی‌ترین منبع توسعه یعنی افراد جامعه - فراهم نمایند. در حالیکه آمارهای موجود گویای ترکیب نامناسب فعالیت‌های بیمه در کشورهای در حال توسعه آسیایی می‌باشند.

کشور ما نیز به عنوان یکی از کشورهای قاره آسیا از این وضعیت مستثنی نیست. صنعت بیمه ایران از جمله ارگان‌های اقتصادی فعال در طول سال‌های انقلاب، به ویژه سال‌های جنگ تحمیلی و دوران بازسازی بوده است و براساس مستندات موجود، در طول برنامه پنج ساله اول توانسته است به نحو مطلوبی به اهداف کوتاه مدت خود دست یابد. اما توجه به این نکته ضروری است که فعالیت‌های این صنعت هنوز در جامعه نهادینه نشده و با وضعیت مطلوب فاصله‌ای بسیار دارد. در حال حاضر زیر بناهای اقتصادی و زیر ساخت‌های



تولیدی کشور، فرصت مناسبی را برای سرمایه‌گذاری در جهت توسعه فراهم آورده‌اند. صنعت بیمه به عنوان یکی از ارکان تأمین‌کننده توسعه اقتصادی و فراهم آورنده زمینه انباشت سرمایه و هدایت آن در مسیر مولد اقتصادی و حمایت از عامل اساسی توسعه - یعنی افراد جامعه - می‌بایست فعالیت خود را به نحوی مطلوب گسترش دهد. بدیهی است با عنایت به آنچه که در ابتدای این نوشتار ذکر شد، بخش مهمی از توسعه صنعت بیمه می‌بایست به بیمه‌های زندگی اختصاص یابد. اما از آنجا که در کشور ما سایر بخش‌های صنعت بیمه نیز از پویایی لازم برخوردار نمی‌باشند، لذا چنین به نظر می‌رسد که قبل از توجه به توسعه یکی از بخش‌های مختلف این صنعت می‌بایست بنیان‌های کلی صنعت بیمه در ایران مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به قدمت فعالیت‌های بیمه در ایران و علی‌رغم تلاش‌های بسیار دست‌اندرکاران این صنعت، هنوز بیمه به نحو بایسته وارد فرهنگ زندگی مردم نشده است و آنها از مزایا و فواید بسیار این صنعت بی‌بهره‌اند. بررسی ریشه‌های این مسأله نشان می‌دهد که موانع توسعه بیمه در ساختار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه نهفته است. لذا هرگونه تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در امر بیمه لزوماً می‌بایست مبتنی بر مطالعات جامع و کارشناسانه صورت پذیرد. این مطالعات می‌تواند با تعیین اهداف مطلوب بیمه در کشور و دریافت وضعیت موجود این صنعت، زمینه مناسب و روشنی را برای برنامه‌ریزان فراهم سازد. بر این اساس اقدامات پژوهشی و تحقیقاتی که برای توسعه صنعت بیمه ایران می‌بایست صورت پذیرد، می‌تواند در ۳ محور زیر مطرح شود:

۱ - مطالعات فرهنگی

فرهنگ هر جامعه تبلور مجموعه آداب، سنن، اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها و باورهای آن جامعه می‌باشد که در طول تاریخ حیاتش شکل گرفته است. لذا ساختار فرهنگی واجد اساسی‌ترین نقش در توفیق برنامه‌های توسعه است. و از این رو می‌بایست تمامی عناصر و ساخت‌های فرهنگی جامعه مورد شناسایی قرار گرفته و در برنامه‌ریزی‌های جاری توسعه، آن دسته از باورها و عناصر فرهنگی که با عملکرد صنعت بیمه سازگاری دارند تقویت شوند و همچنین آن بخش از عناصر و ترکیب‌های فرهنگی که در توسعه بیمه مقاومت می‌کنند به نحو مطلوبی مورد تحلیل و توجه واقع شوند.

۲ - مطالعات اجتماعی

در بعد اجتماعی نیز هر جامعه دارای ویژگی‌های خاصی است. لذا پوشش‌ها و طرح‌های بیمه‌ای می‌بایست بر اساس مطالعات جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی ارائه شده و به نحو مناسبی به صورت کارکردی و آشنا وارد ابعاد مختلف زندگی مردم شوند.

۳ - مطالعات اقتصادی

کشور ما در حال حاضر در مرحله بازسازی و گذار اقتصادی قرار دارد. بحران‌های اقتصادی، نوسانات ارزی و تورم از جمله ویژگی‌های این دوره هستند. لذا برنامه‌ها و طرح‌های صنعت بیمه لزوماً می‌بایست مبتنی بر مطالعات دقیق شرایط بوده در مواجهه با ناملایمات اقتصادی از انعطاف لازم برخوردار باشند. به نحوی که او بتوانند به نحو مطلوبی نقش زمینه‌ای خود را در حمایت از واحدهای تولیدی و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی به خوبی ایفا نمایند و ثانیاً در این شرایط بحرانی به نحو شایسته‌ای درمقابله با آسیب‌های اقتصادی از مردم حمایت نموده و ثالثاً بتوانند انگیزه‌های لازم را برای جذب سرمایه‌ها فراهم کنند.

امید است در سایه الطاف بی‌شائبه پروردگار متعال و تلاش مردم مسلمان جامعه ایران در آینده‌ای نزدیک شاهد موفقیت‌های چشمگیر صنعت بیمه در ایران عزیز باشیم.

والسلام